

تربیت معلم در ایران به روایت اسناد

از دارالمعلمین تا دانشگاه فرهنگیان

(قسمت دوم)

رحیم روح‌بخش*

اشاره

تربیت نیروی انسانی به‌عنوان مرکز توسعه و پیشرفت هر کشوری، از طریق استقرار نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش کارآمد میسر خواهد شد و کارآمدی نظام تعلیم و تربیت موکول است به کارآمدی معلمین و مربیان. از این‌رو همواره تربیت معلم یکی از دغدغه‌های نظام‌های سیاسی بوده است. تجربه بیش از یک‌صد سال تربیت معلم در ایران معاصر هم حاکی از آن است که در طول شش‌دهه قبل از انقلاب اسلامی و چهاردهه پس از آن برخی رویکردها و جهت‌گیری‌ها یکسان و البته برخی سیاست‌گذاری‌ها هم متفاوت بوده است. توجه به بعد مهارتی تربیت‌معلم و ضرورت استقرار نظام پذیرش و گزینش خاص و یاددهی برخی دروس به دانش‌آموز معلمان پسر و دختر و قرار گرفتن دروسی از قبیل اصول علم اخلاق و اخلاق آموزشی تا درج کلید واژه‌های معلم صالح و ذی‌فن و آگاه، بیانگر سیر تحول رویکردی به مقوله تربیت معلم است. سرعت تغییرات ناظر به‌عنوان ساختارهای متولی تربیت معلم مورد نیاز جامعه، گویای آن است که انتظارات جامعه و دولت‌مردان و نیز سرعت تحولات جامعه همواره منجر به اصلاح عناوین و در ذیل آن‌ها اصلاح رویکرد و رویه‌ها بوده است که این تغییرات به‌خصوص در عرصه ساختارهای تربیت معلم نمود بیشتری دارد.

در قسمت اول این مقاله، تاریخچه تربیت‌معلم از ابتدا تا دهه ۴۰ مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره از دهه ۴۰ تا بعد از انقلاب اسلامی مرور خواهد شد.

* پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

۱ و) تربیت معلم در دهه چهل:

تحولات دهه چهل در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش مبتنی بر اصول انقلاب سفید بود. دو ویژگی مرتبط با آموزش و پرورش در این تحول یکی اولویت بخشی به حوزه آموزش روستایی و دیگری تغییر ساختار نظام آموزشی از کودکان تا مراحل عالی دانشگاهی بود. اقدام اخیر مهم‌ترین تحول در تغییر نظام و ساختار آموزشی از زمان شکل‌گیری آن تلقی می‌شد که براساس آن دوره ۶ ساله (ابتدایی)، ۳ ساله (متوسط اول) و ۳ ساله (متوسطه دوم) به ۵ ساله (ابتدایی)، ۳ ساله (راهنمایی)، ۴ ساله (متوسطه) تبدیل شد. کما این که گسترش مدارس روستایی به واسطه افزایش مراکز تربیت معلم ایالتی به خصوص تأسیس دانش‌سرای خاص سپاه دانش به شرح ذیل در دستور کار قرار گرفت:

۱. مراکز تربیت معلم ایالتی و ولایتی: بررسی تاریخ تربیت معلم حاکی است که

به اقتضای نیازهای محلی اعم از استانی و حتی شهرستانی بارها در شورای عالی معارف/فرهنگ/آموزش و پرورش، مجوز تأسیس مراکز تربیت معلم خاص یک استان با شرایط و امتیازات ویژه برای رفع نیازهای معلم آن استان صادر شده است؛ چنان که گذشت نقطه عزیمت این رویکرد با قانون تربیت معلم در سال ۱۳۱۲ ش. کلید خورد. سپس در سال‌های بعد به دنبال افزایش تعداد مدارس در اقصی نقاط کشور، شورای عالی فرهنگ مجوز تأسیس مراکز تربیت معلم را در شهرهای مربوطه صادر کرد. از آن جمله طبق «اساس‌نامه کلاس تربیت معلم برای دارندگان دیپلم متوسطه» به ادارات فرهنگ آذربایجان شرقی (تبریز) و استان مرکزی (تهران) اجازه داد آموزشگاه‌هایی خاص شرایط و نیاز استانی خود تأسیس نمایند. (آرشیو، مصوب جلسه ۹۷۴، مورخ ۱۳۳۷/۷/۱۸). همچنین براساس «اساس‌نامه تربیت معلم آموزشگاه‌های حرفه‌ای دختران» مجوز تأسیس مرکز تربیت معلم یک‌ساله «فقط برای دختران شهرستان‌ها» را مشروط به تعهد پنج سال خدمت در شهرستان موردنیاز داد. (آرشیو، مصوب جلسه ۱۰۴۷، مورخ ۱۳۴۱/۸/۶). در موارد خاص نیز «مجوز تأسیس آموزشگاه تربیت معلم دختر روستایی در دزفول» (آرشیو، مصوب جلسه ۱۰۷۵، مورخ ۱۳۴۳/۳/۳۱)، را صادر کرد.^۱ این امتیاز به گونه‌ای دیگر نیز برای شهرهای مرزی تعلق گرفت، از آن جمله طبق «مجوز تأسیس دبیرستان نمونه شبانه‌روزی و دانش‌سرای مقدماتی نمونه شبانه‌روزی در شهرهای مرزی کشور، مقررگردید «وزارت آموزش و پرورش»^۲ از

۱. با این استدلال که «در دهات خوزستان دختر فارغ‌التحصیل ششم ابتدایی پیدا نمی‌شود، پذیرفتن دختران روستایی که تحصیلات آن‌ها کمتر از ششم ابتدایی باشد، بلامانع است».

۲. لازم به تذکر است که با تغییر نام وزارت فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش، عنوان شورای عالی فرهنگ نیز به شورای عالی آموزش و پرورش تغییر یافت. اما شماره جلسات شورا - برخلاف مرحله قبل در تغییر عنوان شورای عالی معارف به شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۱۷ از شماره ۱ (یک) شروع شد.

محل صدی ده شهریه مدارس بابت کمک به دانش‌آموزان مستعد جنوب و نوار مرزی که مبلغ موجود آن ۸۶ میلیون ریال است، دبیرستان نمونه شبانه‌روزی و دانش‌سرای مقدماتی نمونه شبانه‌روزی را به‌طور مجزا در محل‌هایی که صلاح بداند، ایجاد نماید. دانش‌آموزان این مؤسسات از کلیه شهرهای نوار مرزی که در زیر نام برده می‌شود، به تناسب و ضوابطی که در هر سال از طرف شورای عالی آموزش و پرورش تعیین می‌شود، انتخاب و اعزام می‌گردند: برازجان، بوشهر، بندرلنگه، میناب، بندرعباس، چابهار، خاش، سراوان، زابل، سرخس، میوان، بانه، نقده، تربت جام، ماکو، شاهپور، اهر (ارسباران)، دره‌گز، شیروان، بجنورد، بهبهان، دشت میشان، مهاباد، پاوه، قصر شیرین، ایلام، دهلران، سوسنگرد. (آرشیو، مصوب جلسه ۱۷، مورخ ۱۳۴۷/۱۰/۲۲).

۲. مراکز تربیت معلم حرف روستایی: برای گسترش مشاغل و حرف روستایی در گام نخست، گسترش مراکز تربیت‌معلم حرفه‌ای پسران و دختران مورد توجه قرار گرفت. چنان‌که براساس «اساس‌نامه کلاس تربیت‌معلم حرفه‌ای پسران» (آرشیو، مصوب جلسه ۱۰۴۶، مورخ ۱۳۴۱/۷/۱۵) مقرر گردید، همچون دوره‌های یک‌ساله تربیت معلم آموزگاری به‌منظور تربیت‌معلم برای تعلیم در آموزشگاه‌های حرفه‌ای کشور کلاسی به‌نام کلاس یک‌ساله تربیت‌معلم حرفه‌ای پسران تشکیل گردد. در تداوم همین هدف، در آغاز دهه پنجاه، برنامه‌های خاصی نیز برای تربیت‌معلم دختران در مناطق روستایی در دستور کار قرار گرفت، که براساس ماده نخست «اساس‌نامه دانش‌سراهای روستایی دختران» (آرشیو، مصوب جلسه ۹۳، مورخ ۱۳۵۱/۴/۲۲) هدف از آن: «تربیت دختران روستایی برای آموزگاری در کلاس‌های اول تا پنجم دبستان‌های روستاها است.» داوطلبان این مراکز که از خود روستا بودند، می‌بایست در روستا نیز تدریس می‌کردند. این دانش‌سرا شبانه‌روزی و مدت آن یک‌سال تعیین گردید.

۳. دانشگاه سپاهیان انقلاب: مهم‌ترین اقدام در این دهه برای گسترش سوادآموزی در روستاها، تشکیل سپاه دانش براساس اصل ششم اصول انقلاب سفید بود. طبق این اصل، افراد دیپلمه می‌توانستند به‌جای خدمت نظام وظیفه سربازی، به‌عنوان معلم بعد از یک دوره آموزش نظامی، در روستاها به تدریس در کلاس‌های ابتدایی بپردازند. سپاه دانش وسیله‌ای مؤثر و کم‌خرج و تا حدودی آسان برای رفع کمبود معلم برای مبارزه با بی‌سوادی بود. سپاهیان دانش به دورترین و محروم‌ترین دهات فرستاده می‌شدند تا در آن‌جا مدرسی باز کرده و معلمی کنند. وظیفه آنان هم فقط آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن نبود، بلکه مفاهیم و فواید عمرانی، بهداشتی و کشاورزی نوین را نیز به اطفال و خانواده آن‌ها می‌آموختند.

برای این منظور متولیان نظام آموزشی طبق ماده نخست «اساسنامه کلاس تربیت آموزگار از سپاهیان دانش» در صدد جذب و استخدام انحصاری معلمان سپاه دانش برای شغل آموزگاری در دهات از سال تحصیلی ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۴ برآمدند. (آرشیو، مصوب جلسه ۱۰۵۷، مورخ ۱۳۴۲/۶/۲۴) در گام بعدی برای تربیت راهنمای تعلیماتی سپاهیان دانش، آموزش و پرورش اقدام به تأسیس دانش‌سرای عالی سپاهیان دانش نمود تا بدین وسیله بتواند در کار سپاهیان دانش نظارت کند. برای این منظور ۲۵۰ نفر از لیسانسیه‌های دانش‌سرای عالی سپاه دانش که هر کدام پنج سال سابقه خدمت داشته و رشته تعلیمات ابتدایی را طی کرده بودند، انتخاب شده تا وظیفه راهنمایی سپاهیان دانش را به عهده بگیرند. دکتر اقبال قاسمی پویا^۱ یکی از فارغ‌التحصیلان این دانش‌سرا، در مقاله‌ای فراز و فرود آن را به نگارش درآورده است. کلیات مقاله ایشان حاکی است دانش‌سرای عالی سپاه دانش (تأسیس ۱۳۴۳) که به دانشگاه سپاهیان انقلاب و سپس به دانشگاه ابوریحان بیرونی^۲ تغییر نام داد، یکی از مراکز تربیت معلم وابسته به «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش بود. این دانش‌سرا در آغاز در مرکز آموزش کشاورزی کرج تأسیس شد. در این مرکز دانشجویان پس از یک سال دوره آموزشی به‌عنوان راهنمایان تعلیماتی انتخاب می‌شدند تا اینکه دانش‌سرا در ۱۹ خرداد ۱۳۴۶ بنا به تصویب شورای مرکزی دانشگاه‌ها از سازمان مذکور جدا و به‌صورت مستقل اداره شد. از شهریور ۱۳۴۵ نیز محل آن به روستای مامازن ورامین،

۱. دکتر قاسمی پویا در مصاحبه‌ای شرح فعالیت هایش در این دانشگاه را بازگو کرده است: من بعد از دیپلم از خرداد ۴۳ در پادگان سلطنت آباد به مدت ۴ ماه دوره آموزشی نظامی مربوط به سپاه دانش را گذراندم. سپس بعد از چند سال معلمی، وارد دانش‌سرای عالی سپاهیان انقلاب در مامازن ورامین شدم. ما بعد از دوره آموزشی در پادگان و بعد از چند سال معلمی و براساس نتایج عملکردمان به دانشگاه سپاهیان انقلاب معرفی شدیم. من اسامی ۸۰ نفر از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه را که با مدرک دکتری در تهران و شهرستان‌ها و یا خارج از کشور فعال بوده یا هستند احصا کرده‌ام. از اساتید ما دکتر شعاری نژاد، دکتر آریان پور، سید عباس سیاح، آقای فروتن و... بودند. ما بعد از دوره آموزشی می‌توانستیم سه محل را انتخاب کنیم. من مراغه را انتخاب کردم و به روستای لک لر ملک کندی (ملکان کنونی) رفتم. ۱۴ ماه و نیم آن‌جا ماندم. با اعتمادی که ایجاد شد، با کمک مردم ده را از فضولات حیوانی تمیز کردیم، مدرسه و جاده ساختیم، پیشاهنگی درست کردیم، سیستمی شبیه یک دولت کوچک در روستا ایجاد کردیم، نگهبان شب گذاشتیم و آمار سرفه را کاهش دادیم. در ماه رمضان برای اهالی جلسات قرآن گذاشتیم. طوری که در منطقه مراغه سپاه دانش ممتاز شناخته شد. به دلیل ممتاز شدن به دانشگاه سپاهیان انقلاب دعوت شدم، این دعوت صرفاً براساس ارزیابی عملکرد صورت می‌گرفت. (رک به: مصاحبه با دکتر اقبال قاسمی پویا، دومهنامه شوق تغییر، سال ۷، شماره ۲۸، دی ۱۳۹۷، صص ۴۲۴۶).

۲. ماجرای تغییر نام دانشگاه از این قرار بود که در سال ۱۳۵۰ آقای دکتر بیرجندی رئیس وقت دانشگاه سپاهیان انقلاب از آقای دکتر علیقلی محمودی بختیاری استاد درس فرهنگ و تمدن ایران در «مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» متعلق به مؤسسه مطبوعاتی کیهان دعوت به‌عمل آورد که معاونت ایشان را در دانشگاه سپاهیان انقلاب به‌عهده بگیرد. دکتر محمودی بختیاری به دو شرط این پیشنهاد را قبول کرد: نخست این‌که نام این دانشگاه به‌نام دانشمند برجسته ایرانی «ابوریحان بیرونی» تغییر کند و دیگر این‌که تنها برای یک سال این سمت را به دوش گیرد. دکتر بیرجندی رئیس دانشگاه، دو شرط استاد را پذیرفت و پس از نامه‌نگاری با وزارت علوم، نام دانشگاه از سپاهیان انقلاب به ابوریحان بیرونی تغییر یافت. دکتر بختیاری بعد از یک‌سال خدمت در سمت معاونت دانشگاه، از سوی استادان آن دانشگاه به‌عنوان مدیر گروه ادبیات، آموزش و پرورش و زبان‌های خارجی برگزیده شد. ایشان با راه‌اندازی بخش «دانشجویان خارجی» در این دانشگاه، آن‌جا را به مرکزی مهم برای تعمیق روابط فرهنگی ایران با هند و پاکستان بدل کرد. به‌گونه‌ای که تا آستانه انقلاب اسلامی نزدیک به ۱۸۰ تن از استادان زبان و ادبیات پارسی دانشگاه‌های پاکستان، دوره‌های آموزشی زبان فارسی را در ایران به فرجام رساندند تا هر یک پس از بازگشت به کشورشان بتوانند گام‌های استوارتری برای شناساندن ایران و زبان و فرهنگ آن به مردمان شبه قاره هند بردارند. (قاسمی پویا، ۱۳۹۸: ۶۵۸/۶۸).

شهیدان
محمدعلی رجایی و
محمدجواد باهنر
از وزرای وقت
آموزش و پرورش
با بهره‌گیری از
فضای ایثار و انقلابی
سال‌های نخست
موفق شدند اساس
تربیت معلم را
به شکلی نوین
پایه‌گذاری نمایند

در سی کیلومتری تهران، منتقل گردید. در این روستا علاوه بر دبیرستان کشاورزی، دانش‌سرای عالی دختران روستایی و دانش‌سرای مقدماتی روستایی دختران وابسته به این دانش‌سرا نیز قرار داشت. از زمان انتقال دانش‌سرا به مامازن، دوره راهنمای تعلیماتی به دو سال افزایش یافت و فارغ‌التحصیلان دوره دوساله با اخذ مدرک فوق‌دیپلم و با سمت راهنمای تعلیماتی سپاه دانش به روستاها اعزام شدند. برخی از دانشجویان ممتاز نیز با شرایطی از جمله اخذ معدل ۱۴ در دوره لیسانس آموزش ابتدایی ادامه تحصیل دادند. دانش‌سرای سپاهیان دانش دختر نیز در سال ۱۳۴۶ش با هدف تربیت راهنمای تعلیماتی تأسیس گردید، به طوری که واحدهای درسی دانش‌سرا نیز کارکرد و ماهیت روستایی داشت. در واقع ابعاد اقتصادی، جامعه‌شناسی و ... زندگی روستایی در این دانش‌سرا مورد توجه قرار می‌گرفت. شرایط ورود به این دانش‌سرا علاوه بر داشتن دیپلم، دو سال سابقه آموزگاری در روستا و سپردن تعهد ادامه خدمت در روستاها در تمام مدت تحصیل بود. بر این اساس متولیان دانش‌سرا در تمام دوره تحصیل سعی می‌کردند دانشجویان را علاوه بر برنامه‌های رسمی، به فعالیت‌ها و فوق برنامه‌ها اعم از گردشگری به نقاط مختلف کشور، تشکیل انجمن‌های مربوط، ایجاد مجله دفتر روستا، برگزاری جشن‌ها، نمایش فیلم‌ها و... در حوزه روستا سوق دهند تا دانشجویان را با ابعاد مختلف زندگی روستایی آشنا سازند. از دستاوردهای این دانشگاه طی ۱۵ سال فعالیت تا ۱۳۵۷ تربیت ۱۸۰۰ فارغ‌التحصیل معلم با درجه‌های فوق‌دیپلم و لیسانس بود. (قاسمی پویا، ۱۳۹۸:

۶۵۸۶۸۶)

۴. دانش‌سرای دوره تحصیلی راهنمایی: اما یک تحول دیگر در این دهه تأسیس دانش‌سرای خاص تربیت‌معلم برای دوره تحصیلی راهنمایی بود. این معلمان نیاز به تخصص راهنمایی و مشاوره برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان از دوره راهنمایی به دوره متوسطه را داشتند. برای این منظور از سال ۱۳۴۹ش. طی برگزاری جلساتی در شورای عالی فرهنگ «اساس‌نامه دانش‌سراهای دوره راهنمایی تحصیلی» (آرشیو، مصوب جلسه ۵۴، مورخ ۱۳۴۹/۳/۱۷) به تصویب رسید. براساس ماده ۵ این اساس‌نامه «در دانش‌سراهای دوره راهنمایی تحصیلی معلمان مورد نیاز برای تدریس علوم، ادبیات و علوم انسانی، زبان خارجه و شناخت حرفه‌وفن در چهار گروه مختلف تربیت می‌شوند» البته دو سال بعد طبق مفاد «اساس‌نامه دانش‌سراهای راهنمایی» (آرشیو، مصوب جلسه ۱۰۴، مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۷). تعداد رشته‌ها به شش رشته با اضافه شدن علوم ریاضی و تربیت‌بدنی گسترش یافت. این قوانین در سال‌های بعد تا تصویب مقرراتی اعم از آیین‌نامه‌امتحانات، جدول دروس درسی و ... تکمیل گردید.

مجلس شورای
اسلامی و
شورای عالی آموزش
و پرورش نیز
به تدریج با مصوبات
چندی به گسترش
و تحکیم ساختاری
تربیت معلم کمک
کردند

ز) تربیت معلم بعد از انقلاب اسلامی:

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحول فرهنگی را مهم‌ترین غایت خود دانست. بر این اساس آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین عرصه فرهنگی باید تغییر بنیادی می‌کرد و مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بازتولید می‌شد. بر این اساس لازم بود از نقش و جایگاه معلمان تبیین جدیدی به‌عمل آید. به‌طوری که از همان آغاز طرح‌های چندی از جمله پیشنهادهای برای اصلاح تربیت معلم^۱ مطرح و مذاکرات مربوط به آن در شورای عالی آموزش و پرورش شروع شد. بررسی صورت مذاکرات شورا حاکی از توجه جدی به این حوزه با نگاه انقلابی و اسلامی است. به‌طوری که در اهداف تربیت معلم طبق «اساس‌نامه مراکز تربیت معلم» مصوب سال ۱۳۶۲ که جزو اولین مصوبات مربوط در شورا است، تأکید شده: «کلیه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و محتوای برنامه‌های مراکز تربیت معلم باید منطبق بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده، روح انقلاب اسلامی بر آن‌ها حاکم باشد.» در این اساس‌نامه بر مدت دوساله تحصیل دانشجو معلمان به‌صورت شبانه‌روزی و با دریافت حقوق کارآموزی اشاره شده است. (آرشیو، مصوب جلسه ۳۱۱، مورخ ۱۳۶۲/۶/۳)

چنان‌که در شش‌ماه بعد همان سال که شورای عالی آموزش و پرورش درصدد تدوین «اساس‌نامه دانش‌سراهای تربیت معلم برای دوره تحصیلی ابتدایی» برآمد، نیز همین رویکرد به‌چشم می‌خورد: «دانش‌سراهای تربیت معلم به‌منظور تربیت آموزگاران صالح، آگاه به‌مسائل تعلیم و تربیت اسلامی و ذی‌فن و معتقد به ولایت‌فقیه و آشنا به فنون مقدماتی نظامی برای تربیت و تعلیم در دبستان‌ها، بالاخص در روستاها و مناطق محروم سراسر کشور تأسیس می‌گردد.» (آرشیو، مصوب جلسه ۳۳۳، مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۳).

بر این اساس در خلال نخستین سال‌های استقرار جمهوری اسلامی، دست‌اندرکاران وقت وزارت آموزش و پرورش به ویژه دو بار فرهنگی شهیدان محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر از وزرای وقت آموزش و پرورش با بهره‌گیری از فضای ایثار و انقلابی موفق شدند اساس تربیت معلم را به شکلی نوین پایه‌گذاری نمایند. به‌طوری که متأثر از این شرایط، علی‌رغم گسترش جمعیت فوق‌العاده دانش‌آموزی، مراکز تربیت معلم با ظرفیت تمام به آموزش معلمان پرداخته و نیاز به معلم در مدارس و را تأمین نمودند. چنان‌که به‌تدریج با ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به این عرصه، تحولات گسترده‌ای در نهاد تربیت معلم شکل گرفت. از آن جمله طی مصوبه‌ای در این شورا، نهادی تحت‌عنوان «گروه هماهنگی

۱. از ده‌ها طرح دریافتی موجود در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش عناوین برخی از طرح‌های مربوط به تربیت معلم عبارت‌اند از:

طرح پیشنهادی به شورای عالی آموزش و پرورش، برای تشکیل سازمان کل تربیت معلم کشور از دکتر یدالله سبحانی، دی‌ماه ۱۳۵۹.
طرح تربیت معلم و مربی از محمدطاهر معیری، پیشنهاد مطرح‌شده در جلسه ۲۳۸ شورای عالی آموزش و پرورش، مورخ ۱۳۶۰/۲/۲۷.
تربیت معلم و مسایل آن از دکتر غلامحسین شکوهی، مرداد ۱۳۶۰.
البته در ده‌ها طرح دیگر مربوط به آموزش و پرورش، بخشی هم به پیشنهادهای راجع به تربیت معلم اختصاص یافته است.

برنامه‌های تربیت‌معلم» به ریاست وزیر آموزش و پرورش و با حضور کارشناسان دو وزارت‌خانه آموزش و پرورش و آموزش عالی در شهریور ۱۳۶۳ تشکیل شد. طی مذاکرات اعضای این گروه، به‌تدریج ساختار کلی تربیت‌معلم شکل گرفت.

در این راستا مجلس شورای اسلامی و شورای عالی آموزش و پرورش نیز به‌تدریج با مصوبات چندی به گسترش و تحکیم ساختاری تربیت معلم کمک کردند. از آن جمله با مصوبه «تأسیس دوره کاردانی پیوسته دانش‌سراهای تربیت‌معلم» توسط شورای عالی آموزش و پرورش، جذب آموزگار در مناطق محروم از میان فارغ‌التحصیلان سال دوم نظری رسمیت یافت. (آرشیو، مصوب جلسه ۶۲۵، مورخ ۱۳۷۷/۶/۷) در این میان یک مصوبه مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم) با عنوان «قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش» مورخ ۱۳۷۴/۶/۲۲ تصویب شد. کما این‌که ماده واحده مصوب جلسه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۹ باعنوان «نحوه جذب منابع انسانی در مشاغل آموزشی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش» نیز تأکید کرد: «سیاست‌های کلی تحول در نظام آموزش و پرورش (ابلاغی مقام معظم رهبری) منابع انسانی مورد نیاز خود در مشاغل آموزشی و تربیتی را در چارچوب شایستگی‌های مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و براساس شرایط و ضوابط مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، صرفاً از طریق دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر فنی شهید رجایی تأمین کند و هر گونه استخدام خارج از این طریق ممنوع است.» در تبصره ۵ این ماده تأکید شده «شرط اشتغال به حرفه معلمی در کلیه مدارس (اعم از دولتی و غیر دولتی)، دارا بودن «گواهینامه صلاحیت معلمی» به‌عنوان مستند رسمی احراز توانایی یک فرد برای ایفای نقش معلمی خواهد بود.» کما این‌که شورای عالی آموزش و پرورش نیز در سال‌های اخیر «طراحی نظام معلمی جمهوری اسلامی ایران» به پیشنهاد آموزش و پرورش (آرشیو، مصوب جلسه ۷۶۴، مورخ ۱۳۸۷/۲/۳)، «سوگندنامه معلمی» (آرشیو، مصوب جلسه ۹۲۹، مورخ ۱۳۹۵/۱/۳۰) و مخصوصاً «برنامه زیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» از مجموعه زیر نظام‌های شش‌گانه سند ملی آموزش و پرورش را تصویب کرده است. (آرشیو، مصوب جلسه ۹۶۵، مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۷).

البته در این راستا با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و بعدها دانشگاه پیام نور، تربیت بخشی از معلمان مورد نیاز در شرایط اضطراری به‌عهده این مراکز آموزشی واگذار گردید. این شیوه تأمین معلم از طریق مراکز آموزش عالی به‌تدریج از دهه هشتاد رونق گرفت و بخشی از متولیان نظام آموزشی به این نتیجه رسیدند که اصولاً آموزش و پرورش معلمین مورد نیاز را از طریق دانشگاه‌ها تأمین نماید. به این ترتیب برخی از مراکز تربیت‌معلم تعطیل و یا برای سایر نیازهای آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. این امر تا آن‌جا مورد توجه قرار گرفت که در کنکور سال ۱۳۸۷ ش. برای مراکز تربیت‌معلم، دانشجویی پذیرفته نشد. کما این‌که از شیوه‌های جدیدی از پذیرش معلم با عناوین سرباز معلم، معلم حق‌التدریسی،

در فاصله کمتر از دو سال از تأسیس مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (ص)، خبر تأسیس دانشگاه فرهنگیان مطرح شد

استخدام مربیان نهضت سوادآموزی و ... نیز استفاده شد. (صافی، ۱۳۸۷: ۹۶) البته این رویکرد در دههٔ اخیر با تغییرات ساختاری در تربیت معلم در دو گام تأسیس دانشگاه پیامبر اعظم و دانشگاه فرهنگیان به شرح ذیل سمت و سوی دیگری یافته است:

۱. **دانشگاه پیامبر اعظم:** این دانشگاه که طبق «اساس نامه مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (ص) وابسته به وزارت آموزش و پرورش» مصوب شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۱ تشکیل شد، «از تجمیع دانشکده‌های تربیت دبیر فنی، آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای و مراکز تربیتی معلم وابسته به وزارت آموزش و پرورش تأسیس» گردید. هدف از تأسیس آن احیای مراکز تربیت معلم با هدف تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش بود.

۲. **دانشگاه فرهنگیان:** در فاصله کمتر از دو سال از تأسیس مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (ص)، خبر تأسیس دانشگاه فرهنگیان مطرح شد که البته بعد از مدتی با مصوبه جلسه ۷۰۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ۱۳۹۰ رسمیت یافت. یک نکته قابل توجه در اساس نامه این دانشگاه این که، هر چند مقرر شده آموزش و پرورش معلمین مورد نیاز خود را از طریق این دانشگاه تأمین نماید؛ اما طبق ماده ۲۸ «اساس نامه دانشگاه فرهنگیان» مجوز به کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را نیز با شرایطی ممکن ساخته است. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساس نامه دانشگاه فرهنگیان، جلسه ۷۰۴، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶) ناگفته پیداست که سیر تغییر و تحولات ساختاری تربیت معلم در بعد از انقلاب اسلامی و به خصوص دو دانشگاه فوق‌الذکر به بررسی تفصیلی نیاز دارد که از حوصله این نوشتار خارج است.

نتیجه‌گیری

از بررسی تشکیل و سیر تحول ساختاری تربیت معلم در ایران چند نکته قابل توجه و تأمل به نظر می‌رسد:

● **نکته اول:** بنای تربیت معلم در آغاز به خصوص در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ با عنایت به تدبیر و تخصص متولیان وقت نظام آموزشی، به‌ویژه اعضای شورای عالی معارف، به صورت بنیادی و اساسی پایه‌گذاری گردید؛ به طوری که این ساختار باندک اصلاحاتی در دوره‌های بعدی تداوم یافت.

● **نکته دوم:** از همان آغاز شکل‌گیری تربیت معلم در ایران، به خصوص با تأسیس دانشگاه تهران، تمایل وابستگی ساختاری تربیت معلم به دانشگاه در آن قوت گرفت. به مرور گرایش به اینکه مراکز تربیت معلم ذیل دانشگاه و بعدها وزارت علوم قرار بگیرد، شدت یافت. به طوری که در پی انحلال «سازمان تربیت معلم

و تحقیقات تربیتی» (تأسیس ۱۲ مرداد ۱۳۴۲) و به دنبال ایجاد وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶ تربیت معلم زیرمجموعه این وزارتخانه جدیدالتأسیس قرار گرفت. بعدها نیز با تصویب «شورای گسترش آموزش عالی» در سال ۱۳۵۳ به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام داد. کما این که در تداوم همین رویکرد در بهمن ۱۳۹۰ بخشی از دانشگاه تربیت معلم تفکیک و با عنوان دانشگاه خوارزمی ذیل وزارت علوم قرار گرفت^۱. البته با تدوین اساسنامه دانشگاه فرهنگیان از تجمع و تمرکز سایر مراکز تربیت معلم در کشور و تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ سعی شده است این دوگانگی مرتفع شود. در حال حاضر این دانشگاه وابسته به آموزش و پرورش و منطبق با قوانین و ضوابط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت می کند و از امتیازات و استانداردهای دانشگاهی برخوردار است؛ اما این دوگانگی چنان که این نوشتار نیز نشان می دهد از تنوع در نام شامل دارالمعلمین، دانش سرا، تربیت معلم، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشگاه فرهنگیان و... تا سایر عرصه‌هایی نظیر تکثر نام و وابستگی سازمانی شاگردان آن اعم از محصلان، متعلمین، دانش آموزان، دانشجویان، دانش آموز معلمان، دانشجو معلمان و... حتی عرصه‌های حقوقی، اداری و ... نیز سرایت کرده است.

● **نکته سوم:** با وجود برخی اقدامات، تمرکزگرایی افراطی مانع از استقلال عمل نسبی شعبه‌های استانی و شهرستانی تربیت معلم شده است. با همه این احوال در سیر تاریخی تحول تربیت معلم در ایران می توان برخی نقاط عطف نظیر اهتمام ویژه به دانش سرای دختران، گسترش تربیت معلم روستایی، تأسیس دانشگاه سپاهیان انقلاب و اخیراً تشکیل دانشگاه فرهنگیان را از افتخارات آن برشمرد.

● **نکته چهارم:** توسعه کمی و کیفی تربیت معلم و تأمین نیروی انسانی توانمند در دهه شصت در دولت شهید رجایی فصل بسیار درخشان تربیت معلم یکصدساله کشور به شمار می رود، زیرا در شرایطی که جمعیت کشور کمتر از چهل میلیون نفر بود تعداد چهارصد مرکز تربیت معلم به تربیت و تأمین معلم این کشور مشغول بود.

۱. گفتنی است که ساختمان اصلی مرکز تربیت معلم از سال‌های نخستین تأسیس در خیابان شهید مفتاح قرار داشت. متأسفانه در پی درخواست مسئولان و هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۹۰ ش. این دانشگاه به دانشگاه خوارزمی تغییر نام یافت. مدتی بعد دانشگاه علوم اقتصادی نیز با دانشگاه خوارزمی ادغام گردید.

منابع

۱. آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، (به اختصار آرشیو)، صورت مذاکرات و مصوبات شورای عالی معارف (از سال ۱۳۰۱ الی ۱۳۱۷)، شورای عالی فرهنگ (از سال ۱۳۱۷ الی سال ۱۳۴۶)، شورای عالی آموزش و پرورش (از سال ۱۳۴۷ تاکنون).
۲. آوری، بیتز. (۱۳۶۰)، تاریخ معاصر ایران: از تأسیس پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲، تهران، عطائی.
۳. ابوحوزه، احمد. (۱۳۹۸)، تربیت معلم در ایران از مشروطه تا پهلوی دوم: بررسی موردی علل، چگونگی و فرایند تغییر مصوبات مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ه. ش)، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران: دانشگاه فرهنگیان با همکاری پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده).
۴. انجمن سالنامه دانش‌سرای عالی، سالنامه [ادو سالنامه] دانش‌سرای عالی، سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۵ و ۱۳۱۶-۱۳۱۵ (در یک مجلد)، تهران، چاپخانه روشنایی، پنجمین سالنامه دانش‌سرای عالی، بهمن ۱۳۱۷.
۵. انجمن سالنامه دانش‌سرای عالی، سالنامه دانش‌سرای عالی، سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۲، تهران، مطبوعه مجلس، دومین سالنامه دانش‌سرای عالی، تیرماه ۱۳۱۳.
۶. انجمن سالنامه دانش‌سرای عالی، سالنامه دانش‌سرای عالی، سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۳، تهران، مطبوعه روشنایی، سومین سالنامه دانش‌سرای عالی، شهریور ۱۳۱۴.
۷. بامدادی، بهروز و همکاران. (۱۴۰۰)، تاریخ تربیت معلم در ایران (استان آذربایجان شرقی)، تهران، انتشارات دانشگاه فرهنگیان.
۸. بلوردی، زهیر مصطفی. (۱۴۰۰)، تاریخ مراکز تربیت معلم در ایران (استان کرمان)، تهران، انتشارات دانشگاه فرهنگیان.
۹. تعلیم و تربیت. (۱۳۰۵)، سال دوم، شماره چهارم (این مجله متعلق به وزارت معارف وقت بود و اخبار و گزارشات آن وزارتخانه را منتشر می‌کرد).
۱۰. راهنمای دانش‌سرای عالی، سال تحصیلی ۱۳۴۰-۱۳۳۹، چاپخانه دانش‌سرای عالی.
۱۱. روحبخش، رحیم. (۱۳۹۸)، نقش سالنامه‌های دانش‌سرای عالی در تدوین تاریخ تربیت معلم در ایران، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران: دانشگاه فرهنگیان با همکاری پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده).
۱۲. روحبخش، رحیم و فریده حشمتی. (۱۴۰۰)، تاریخ تحولات آموزشی نوین در ایران، تهران، نگارستان اندیشه.
۱۳. ساکما (مخفف سازمان کتابخانه و اسناد ملی ج. ا. ا)، آرشیو ملی ایران (موجود در سایت سازمان اسناد ملی ایران).
۱۴. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۸)، گزارش مشاوران ماوراء بحار: طرح توسعه هفت ساله دولت ایران با تأکید بر بخش آموزش در سال ۱۳۲۸، تهران، ترجمه توسط مدیریت پژوهش‌های راهبردی شورای عالی آموزش و پرورش.
۱۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰)، اساس‌نامه دانشگاه فرهنگیان، جلسه ۷۰۴، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶، واحد انتشارات شورا.
۱۶. صافی، احمد. (۱۳۸۷)، سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره جدید، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۹۶.
۱۷. فردیار، مهرداد. (۱۳۹۸)، نه‌کنفرانس در اصول تعلیمات عملی از عیسی صدیق (در سال‌های ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ ش.)، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران: دانشگاه فرهنگیان با همکاری پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده).
۱۸. فردیار، مهرداد و سید رضا بقیران موحد. (۱۳۹۸)، میرزا حسن رشدیه از تحصیل در دارالمعلمین تا آموزش معلمان، در مجموعه مقالات چهارمین همایش آموزش تاریخ در مدارس، ج اول: تاریخ آموزش در ایران، به کوشش جمشید روستا و رحیم روحبخش، ج ۱، تهران: نگارستان اندیشه.
۱۹. قاسمی‌پویا، اقبال. (۱۳۹۸)، دانش‌سرای عالی سپاه دانش (ابوریحان بعدی) و تربیت معلم، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران: دانشگاه فرهنگیان با همکاری پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده).
۲۰. قاسمی‌پویا، اقبال. (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۱. کوهستانی‌نژاد، مسعود. (۱۳۹۷)، تحولات معارف و آموزش و پرورش ایران در سال‌های جنگ جهانی اول، فصلنامه گنجینه دارالفنون، سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۲۲. لوح قانون: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. مجموعه مصوبات و قوانین موضوعه قوه مقننه و سایر نهادهای قانون‌گذاری (متن دیجیتال و موجود در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس).
۲۳. مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساس‌نامه دانشگاه فرهنگیان (متن دیجیتال، موجود در سایت دانشگاه فرهنگیان).
۲۴. محمدی، محمود. (۱۳۹۸)، دارالمعلمین ۱۲۹۷: شیوه پذیرش دانشجوی، برنامه درسی و ساختار اداری، در مقالات برگزیده اولین همایش ملی بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس تربیت معلم در ایران: دیروز، امروز، فردا، تهران: دانشگاه فرهنگیان با همکاری پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (انتشار و تکثیر در قالب لوح فشرده).
۲۵. نوید، مهدی و رحیم روحبخش. (۱۳۹۹)، تربیت معلم به روایت اسناد شورای عالی معارف/ فرهنگ/ آموزش و پرورش، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
۲۶. وزیر، سعید. (۱۳۹۸)، آشنایی با تاریخ مدارس دخترانه در ایران ۱۲۸ تا ۱۳۱۷، واج و کوشش پاینده.
۲۷. یغمایی، اقبال. (۱۳۷۵)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.